



نزار قبانی

— چاپ نهم —
در بندر آبی چشمانت...

گزینه شعرهای عاشقانه

ترجمهٔ احمد پوری

شعر جهان ...

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - شعر غیرفارسی - مجموعه شعر عربی

در بندر آبی چشمانت...
(گزیده شعرهای عاشقانه)
نزار قبانی
ترجمه احمد پوری
ویراستار: کانلم فرهادی

مدیر هنری: مجید عباسی

لینوگرافی: بهار

چاپ: حیدری

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول: زمستان ۱۳۷۷، تهران

چاپ نهم: پاییز ۱۳۹۶، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه کتبی ناشر است.

www.cheshmeh.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۷۱-۱۷-۵

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، شماره ۳۵.

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتاب‌فروشی نشر چشمه مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۰۷.

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه کورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه پنجم، واحد ۴.

تلفن: ۹۰ - ۴۴۹۷۱۹۸۸

کتاب‌فروشی نشر چشمه آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزاد، نرسیده به اتوبان نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخارمقدم.

مجتمع تجاری آرن، طبقه ۲.

فهرست

- ۷..... پیشگفتار
- ۱۵..... شعر دریایی
- ۱۷..... نقاشی با واژه‌ها
- ۱۸..... سیاه مشق کودکانه
- ۲۰..... دنیا را با واژه‌ها تسخیر می‌کنم
- ۲۱..... زیان
- ۲۲..... فنجان و رُز
- ۲۳..... محاکمه
- ۲۴..... دشواری
- ۲۵..... چه می‌شد اگر خدا؟
- ۲۶..... عشق در میانه دستگیری
- ۲۷..... هزار ماه
- ۲۸..... بازی در صحنه
- ۳۰..... پرسش‌هایی از خدا
- ۳۴..... اشعار دیوانگی
- ۴۵..... نامه‌های عاشقانه
- ۵۱..... دوازده گل سرخ بر موهای بلقیس

- برگ‌های اسپانیایی ۵۷
- و من اعتراضی نمی‌کنم ۶۱
- نظریه‌ای نو دربارهٔ پیدایش جهان ۶۴
- طبیعتِ مرد ۶۵
- آن‌که تو را دوست ندارد بی‌وطن است ۶۶
- من می‌نویسم ۶۷
- مقایسهٔ عشق ۷۰
- محبوب من در سال نو ۷۱
- وقتی عاشقم ۷۳
- مرگ عشق ۷۵
- تقدیم‌نامه ۷۷
- عشق سرور من خواهد ماند ۷۸
- کسی را نمی‌بینم جز تو ۸۰
- درمانِ غریبی عشق ۸۲
- تو زمان را در چمدان داری ۸۵
- آغاز تاریخ ۸۷
- زنی در درونم گام برمی‌دارد ۸۸
- این‌گونه تاریخ زن را می‌نویسم ۹۰
- من اعلام می‌کنم: هیچ زنی چون تو نیست ۹۲
- گزارش بسیار محرمانه از سرزمین مُشت ۹۵
- به دوست سوئسی ۹۶
- بگو دوستم داری ۹۹
- یارانِ شعر ۱۰۱

پیشگفتار

روزنامه‌های انگلیس در اول مه ۱۹۹۸ خبر از مرگ نزار قبانی شاعر سوری دادند که چندی بود در لندن می‌زیست. این خبر بلافاصله تمامی جهان را بیمود. قلب شاعری از کار افتاده بود که در نیم قرن آفرینش شعری، نام خود را به عنوان جنجالی‌ترین و شجاع‌ترین شاعر شعر مدرن عرب تثبیت کرده و لقب عاشقانه‌سرای بی‌همتا را از آن خود کرده بود. در طول پنجاه سال سرایش شعر، نزار هیچ‌گاه در سایه قرار نگرفت. شعر او همواره مطرح بود و حتی سرسخت‌ترین منتقدان او نیز ناگزیر از پذیرش این واقعیت بودند که نزار شاعری بزرگ و کم‌نظیر است.

نزار قبانی در ۲۱ مارس (اول فروردین) ۱۹۲۳ در خانه‌ای قدیمی در دمشق متولد شد. «وقتی من به دنیا آمدم» زمین نیز در حال ولادت بود و بهار آماده می‌شد که جامه‌دان‌های سبز خود را بگشاید. زمین و مادرم در یک زمان حامله شدند... و نیز در یک زمان وضع حمل کردند.^۱

پدرش شغل شیرینی‌پزی داشت. «اگر بخوام پدرم را جزء گروهی به‌شمار آورم، بی‌تردید او را جزء مردم زحمتکش قرار می‌دهم. زیرا وی پنجاه سال از عمرش را با استنشاق بوی زغال سنگ گذراند و بالشش از

۱. نزار قبانی، داستان من و شعر، ترجمه دکتر یوسفی و دکتر بگبار (تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۶)، ص ۲۰.

کیسه‌های شکر و تخته و صندوق‌های چوبی بود. هر شب از شیرینی‌پزی خود واقع در کوچه معاویه، در زیر ناودان‌های پر باران زمستانی، مانند کشتی سوراخ شده به نزد ما، به خانه برمی‌گشت.^۱

کودکی نزار در یکی از خانه‌های سنتی و زیبای دمشق گذشت. این خانه در نظر من حدّ نهایی جهان بود... الان می‌توانم چشمانم را ببندم و میخ‌های درهایش را بشمارم و آیات قرآن را که بر چوبکاری اتاق‌هایش کنده شده بود به یاد بیاورم. می‌توانم موزاییک‌ها و ماهی‌های حوضش و پله‌های مرمرینش را یک‌ایک بشمارم.^۲ نزار زیبایی این دوران را تا آخر عمر در شعرهای خود بازمی‌تاباند... از دمشق دور افتادم. زبان‌های متعدد دیگری آموختم. اما الفبای دمشقیم چسبیده به انگلستان و گلو و جامه‌هایم باقی ماند. همان کودکی ماندم که آنچه در باغچه‌های دمشق از نعناع و نیلوفر و نسترن بود هنوز در کیف‌دستی خود دارد. در هر مهمانخانه جهان که وارد شدم دمشق را با خود بردم و با او بروی بک تخت خوابیدم.^۳

عموی پدر نزار، ابوخلیل قبانی (۱۹۰۲ - ۱۸۳۶) از چهره‌های برجسته و جنجالی تئاتر عرب بود. او یک تنه بنیادهای سنتی تئاتر عرب را دگرگون کرده و وی دائرة المعارفی بزرگ و صد جلدی بود. نمایشنامه می‌نوشت، آن‌ها را کارگردانی می‌کرد، گفتگوهای نمایش را تنظیم می‌کرد، نوع لباس‌های هنرپیشگان را تعیین می‌نمود، آواز می‌خواند، در نمایش‌ها بازی می‌کرد و می‌رقصید، برای نمایشنامه‌ها آهنگ می‌ساخت و به زبان عربی و فارسی شعر می‌گفت.^۴ ابوخلیل مورد حسد و کین سنت پرستان قرار گرفت و زیر فشار آن‌ها مجبور به ترک سوریه شد و تا آخر عمر در مصر که محیط فرهنگی بازتر و بهتری داشت به کار هنری خود ادامه داد. نزار در واقع کار

۱. همان، ص ۲۳. ۲. همان، ص ۲۸. ۳. همان، ص ۳۰. ۴. همان، ص ۳۱.

ابوخلیل را در شعر انجام داد. او با اشعار عاشقانه خود به ستیز با سنت گرایان و متحجران ادبی عرب برخاست. در ۱۹۴۴ اولین کتاب خود را با نام زن سبزه به من گفت با سرمایه خود در ۳۰۰ نسخه به چاپ رساند. «در یک لحظه، تاریخ ادب برضد من به پاخاست و نیز تاریخ پرستان به حرکت درآمدند، کتاب را به کلی رد کردند و عنوان، محتوی، حتی رنگ کاغذ و تصویر پشت جلد آن را نپذیرفتند... از آن وقت مراسم سنگسار شروع شد. در شماره ماه مارس ۱۹۴۶ مجله مصری *الرساله* شیخ علی طنطاوی درباره من و دفتر شعرم سخنان خونین زیر را نوشت: «در دمشق کتاب کوچکی چاپ شد که جلدی قشنگ و ظریف دارد و کاغذ زوروق دور آن پیچیده‌اند، در آن کاغذهایی که در مجالس عروسی دور جعبه‌های شکلات می‌پیچند. نواری قرمز نیز بر آن بسته‌اند نظیر نواری که فرانسویان در اوائل اشغال دمشق مقرر داشتند که زنان بدکاره بر کمر خود ببندند تا شناخته شوند. در این کتاب سخنانی به نام شعر چاپ شده است...»

نزار در واقع از همان نخستین کتاب سنت شکنی خود را به نمایش گذاشت و آماده نبرد با مخالفان شد. همزمان با حملات سنت گرایان که او را متهم به فساد و اخلاق ستیزی می‌کردند استقبال چشم گیر جوانان و نوجویان از اشعار او باعث شد تا نزار بیشتر به سرودن ترغیب شود. علت اصلی مخالفت با نزار این بود که او به مقوله عشق پرداخته بود، آن هم از دیدگاهی کاملاً متفاوت. عشقی که در آن رهایی و مرتبت انسانی، احترام متقابل و ایثار دو جانبه در اوج آزادی و بدون ترس از سنت‌ها و گزرها موج می‌زند. «... ما با ترس عاشق می‌شدیم، با ترس به وعده‌گاه‌های خود می‌رفتیم، با ترس عشق می‌ورزیدیم و با ترس می‌نوشتیم. وقتی انسان دزدکی عاشق شود و زن به یک پاره گوشت بدل گردد که با ناخن تناولش می‌کنیم، جنبه معنوی و نیز

صورت انسانی راز و نیاز عاشقانه از میان می‌رود و غزل به صورت رقصی و حشیا نه به دور کشته‌ای بی‌جان در می‌آید.^۱

نزار در ۲۲ سالگی وارد دنیای سیاست شد و به عنوان وابسته سفارت سوریه در قاهره تعیین شد. از این تاریخ تا ۱۹۶۶ که سیاست و دیپلماسی را برای همیشه کنار گذاشت با عنوان‌های گوناگون به نمایندگی دولت سوریه در کشورهای انگلستان، فرانسه، اسپانیا، چین و چند کشور دیگر به کار مشغول شد. در تمامی این کشورها نزار بیشتر به یادگیری زبان‌های گوناگون پرداخت و زبان‌های فرانسه و اسپانیایی و انگلیسی را در حد بسیار خوب آموخت. این زبان‌ها او را با شعر اروپا آشنا کرد و این آشنایی به قول خود او غبار بیابان را از تن شعر او شست و زبان شعر او را به زبان جهانی نزدیک‌تر کرد.

آتش مجادله درباره شعر نزار همچنان پرلهپ بود. از طرفی هزاران نسخه از دیوان‌های شعر او در ماه‌های نخست انتشار نایاب می‌شد و از طرف دیگر دشمنی مخالفان با او شدت می‌گرفت. دشمنان او به‌طور عمده دو گروه بودند، نخست سنت‌گرایانی که طرح مسائل عاشقانه او را نوعی ستیز با قراردادهای اخلاقی و سنتی جامعه عرب می‌دانستند و به او شاعر فضیحت لقب داده بودند، و گروه دوم شاعران سیاسی بودند که اعتقاد داشتند شعر قبانی شعر شکم‌سیری است و از تب و تاب سیاسی دنیای عرب به دور است. اما نزار بی‌اعتنا به این انتقادات همچنان به کار خود ادامه داد. او هرگز جهت‌گیری مشخص سیاسی نکرد. اما لبه تیز حملات او همواره متوجه آن عده از حاکمان عربی بود که گوش به فرمان اربابان غربی منابع عظیم کشورهاشان را بر باد می‌دادند.

۱. همان، ص ۸۷.

.....

جهان عرب شمشیرش را به گرو داده
و حکایت شرف والا، سرابی بیش نیست.
جهان عرب نفتش را در خصیتیش سرازیر می‌کند
و می‌گوید... خدا بزرگ است.
مردم چه قبل از نفت و چه بعد از آن
خونشان مکیده می‌شود.
گروهی همواره آقابند و گروهی چون چهارپایان...

.....

دیگر کتابی از کتب آسمانی باقی نماند...
چه کسی باور می‌کند که مصر یهودی شده است
و مقام امام حسین (ع) از میان می‌رود؟
این چه مصری است که نمازش عبری است
و پیشنمازش دروغزن!

شعر نزار قبانی شعر انسانی است و درست به این سبب در مفهوم وسیع‌تر
متعهد است. او از بی‌عدالتی‌ها و رنج و تحقیر انسان‌ها درد می‌کشد. با آن
ستیز می‌کند. اشعار عاشقانه او در اوج خود متعهد است و شعرهای
سیاسی‌اش در نهایت عاشقانه است، زیرا شور و اشتیاق او برای بهروزی
انسان و خشم و نفرت او از پدیدآوردگان تیره‌روزی، مایه اصلی این اشعار
است:

بیروت، ای معشوقه جهان —

۱. نزار قبانی، شعر زن انقلاب، ترجمه عبدالحسین فرزاد (تهران: ناشر امیرکبیر، سال ۱۳۶۴)، ص ۳۶.

بازی در صحنه

در حضور دیگران می گویم تو محبوب من نیستی
و در ژرفای وجودم می دانم چه دروغی گفتم
می گویم میان ما چیزی نبوده است
تنها برای این که از دردسر به دور باشیم
شایعات عشق را، با آن شیرینی، تکذیب می کنم
و تاریخ زیبای خود را ویران می کنم.
احمقانه، اعلام بی کفایتی می کنم
نیازم را می کشم، بدل به کافری می شوم
عطر خود را می کشم و
از بهشت چشمان تو می گیرم
نقش دلگلی را بازی می کنم، عشق من
و در این بازی شکست می خورم و باز می گردم
زیرا که شب نمی تواند، حتی اگر بخواهد،
ستارگان را پنهان کند،
و دریا نمی تواند، حتی اگر بخواهد،
کشتی هایش را.

www.cheshmeh.ir



شعر غیر فارسی - ۱۱
شعر جهان
۷۵۰۰ تومان

ISBN-13: 978-964-5571-17-5



9 789645 571175

Studio A